



پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: اعظم سادات موسوی، ۱۳۹۶

## رابطه بین هوش هیجانی و معنوی با مدیریت بحران در ستاد حوادث شهرستان سبزوار

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و معنوی با مدیریت بحران در ستاد حوادث شهرستان سبزوار در سال ۱۳۹۶ انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی همبستگی است. بر اساس بخشی از نتایج تحقیقات گلمن (۱۹۹۸)، بار آن (۱۹۹۹) فورگاس (۲۰۰۱)، بارتون (۲۰۰۷)، تاجیک (۱۳۸۴) و بیرویدیان (۱۳۸۵) به این موضوع اشاره شده که توانایی مدیریت بحران نیازمند تسلط بر رفتار و کنترل احساسات است تا در زمان ایجاد بحران که سرعت عمل و اتخاذ تصمیم صحیح از ارکان اصلی برخورد با آن است، مدیران بتوانند حتی یک موقعیت تهدیدآمیز را به یک فرصت تبدیل کنند. اینها نیازهای مبرمی است که تمام سازمان‌ها با آن رو به رو هستند، چه بخش خصوصی و چه بخش دولتی مخصوصاً در شرایط بحرانی که نمونه‌هایی از آن اشاره شد (مانند سیل، زلزله، بحران‌های سیاسی و اقتصادی و ...) این نیاز نمود بیشتری پیدا می‌کند یعنی مدیران باید هوش هیجانی بسیار قوی‌تری داشته باشند و بتوانند بر هیجانات خود و کارکنان تاثیر بگذارند تا بتوانند جلوی بحران را گرفته و یا حتی آثار و خرابیهای آن را جبران نمایند و عملاً در هر حالتی، هوش هیجانی در ارضاء این نیازها نقش مهمی را بر عهده دارد. برای مثال دست و پنجه نرم کردن با تغییرات بزرگ، در میان سایر موارد، مستلزم درک تاثیر عاطفی تغییر بر روی ما و دیگران است. برای کمک به موسسات در مدیریت تغییر، رهبران باید از احساس عدم اطمینان و اضطراب خود آگاه باشند و آن را مدیریت کنند (بانکر ۱۹۹۷) و بعد از آن باید از عکس العمل‌های هیجانی دیگر اعضا نیز آگاه شوند و به افراد کمک کنند تا با آن عکس العمل‌ها دست و پنجه نرم کنند. در حین انجام همین مراحل، دیگر اعضاء سازمان نیز باید عکس العمل‌های هیجانی خودشان را نیز نظر بگیرند و کنترل کنند.

جامعه آماری شامل کلیه مدیران و کارشناسان ستاد حوادث و مدیریت بحران شهرستان سبزوار به تعداد ۶۰ نفر بود که همه آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ (۱۹۹۵) و هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹) جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون به کمک نرم افزار SPSS ویراست ۱۶ تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و هوش معنوی با مدیریت بحران رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد و مولفه‌های هوش هیجانی و معنوی ۸۳ درصد واریانس مدیریت بحران را پیش‌بینی کردند.

**کلیدواژه‌ها:** هوش معنوی، هوش هیجانی، مدیریت بحران.

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۱۲۱۲۹۵۲۰۲۸

تاریخ دفاع: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹



رشته‌ی تحصیلی: مدیریت آموزشی  
دانشکده: علوم انسانی  
استاد راهنما: دکتر علی محمد ناعمی

### ***M.A. Thesis:***

## The relationship between emotional intelligence and spiritual events under the administration of the crisis Drstad city of Sabzevar

The purpose of this study was to investigate the relationship between Emotional Intelligence & Spiritual Intelligence and Crisis Management in sabzevar Disaster .management Center In 2017

noted that the ability to manage the crisis requires a mastery of the behavior and control emotions to act quickly and make the right decision at the time of crisis the main elements dealing with it, managers do even a threatening situation into an opportunity to convert .

the need becomes more pronounced, ie managers have emotional intelligence is much stronger andt be able to own emotions and the employees influence to prevent the crisis, and even the effects and damages to compensate and effectively in any situation, emotional intelligence to satisfy this need plays an important role. For example grappling with major changes, among other things, requires an understanding of the emotional impact of change on us and others. To help enterprises manage change, leaders must feel the uncertainty and anxiety to be aware of and manage (Bunker 1997) and then to the reaction of other emotions Members will also be aware and help people to it buckle their reactions. During this process, other members of the organization should also consider their own emotional reactions and their control. To help enterprises manage change, leaders must feel the uncertainty and anxiety to be aware of and manage (Bunker 1997) and then to the reaction of other emotions Members will also be aware and help people to it buckle their reactions. During this process, other members of the organization should also consider their own emotional reactions and their control. To help enterprises manage change, leaders must feel the uncertainty and anxiety to be aware of and manage (Bunker 1997) and then to the reaction of other emotions Members will also be aware and help people to it buckle their reactions. During this process, other members of the organization should also consider their own emotional reactions and their control.

This study is a descriptive correlational study. The statistical population of this study included all

manager & experts personnels (60 peoples).

The data were collected using standard Schering questionnaire(1995) for Emotional Intelligence and badie and at al(1389) for Spiritual Intelligence.

Data analysis was done using SPSS version 16. Pearson correlation and multivariate regression.

The Results of this study showed that there is a positive and significant relationship between Emotional Intelligence & Spiritual Intelligence and Crisis Management. Emotional



## سامانه‌ی جستجو در پایان‌نامه‌ها

---

Intelligence & Spiritual Intelligence Components predicated 83% of crisis management variance.

---